

روزنامه نگاري زنده است

هنوز هم جهان خبر به ما نیاز دارد

نازنین متین‌نیا - حالا مدت‌هاست که می‌گویند روزنامه‌نگاري در ایران مرده. دلیل هم می‌آورند؛ مردم زودتر از شبکه‌های خبری، خبر را پیدا می‌کنند و آزادتر، در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند، درباره‌اش می‌نویسند، نتیجه‌گیری می‌کنند و تمام. نمونه محاوره و خودمانی این نظریه را اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم، می‌شود تویییتی که روز شنبه یکی از کاربران منتشر کرد و نوشت: «اسراییل زده، بیانیه هم داده گفته زدیم، مردم هم نقاط انفجار را درآوردن و رفتن خوابیدن، اونوقت شبکه خبر داره میگه منشأ انفجار هنوز معلوم نیست».

اما آیا واقعا این نظریه درست است؟ آیا واقعا ما، روزنامه‌نگارهایی که هنوز توی خط اول ایستاده‌ایم، آب در هاون می‌کوبیم و بهتر است همه‌چیز را رها کرده و برویم پی کاری دیگر و دغدغهای دیگر؟ نباید از خودمان بپرسیم حالا که اعتماد مردم به روزنامه‌نگار ایرانی و توانایی‌اش برای انتشار خبر روزبه‌روز ضعیف‌تر و بی‌اهمیت‌تر می‌شود، چرا باید نام خود را به بازی بگیریم و در پوچی قدم برداریم؟ ...

این سوال‌ها واقعیت‌عریان این روزهای نسبت ما روزنامه‌نگارها با روزنامه‌نگاري است. اگر تا يك دهه پیش، فقط خطر ممیزی و سانسور شغل ما را تهدید می‌کرد، حداقل در ده سال گذشته و سرعت فراگیری شبکه‌های اجتماعی و راه و رسم خبریابی برای مردم، به عوامل آسیبزای شغل ما اضافه شده. در کنار این، روند غیرشفاف و همیشگی بنگاه‌های خبری نظیر همین شبکه خبر یا رسانه‌های دولتی دیگر و صدا البته شبکه‌هایی نظیر ایران‌اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی هم، مه مغزی روزنامه‌نگاري در ایران را بیشتر کرده. مردم واقعا نمی‌دانند به کجا اعتماد کنند و کدام خبر را درست ببینند. ما هم نمی‌توانیم برگردیم به عقب، یادشان بپردازیم که روزگاري نه چندان دور، مثلا همان دوره ۸۸، پای کار بودیم و جنگیدیم تا خبر خش نخورد و واقعي به دستشان برسد. کار از کار گذشته. اما آیا من روزنامه‌نگار هم باید باور کنم که دیگر کاري از دستم برنمی‌آید و بهتر است عطاي روزنامه‌نگاري را به لقایش ببخشم؟

نتیجه‌گیری‌ها روی کاغذ، به این سوال من يك بله محکم است. اما در واقعیت باید بگویم، هنوز هم جهان خبر به ما نیاز دارد. شاید حالا ما روزنامه‌نگارها و خبرنگارها، دقیقا آنهایی نباشیم که برای

رساندن خبر، مردم به ما نیاز دارند. اما قطعاً می‌توانیم آنهایی باشیم که «ارایه خبر»، «چگونگی» و «نحوه انتشار» را خوب می‌دانیم و قطعاً، حضورمان لازم و واجب است.

واقعیت این است در جهانی که خبر دیگر دست اولی نیست و ماهیت واقعی خود را از دست داده، همچنان روند بررسی و پیدایش هر اتفاقی، کار مردم عادی نیست.

روزنامه‌نگاری بر اولویت انتشار خبر بنا شده اما در کنار آن، هزار و یک آموخته دیگر دارد. ما یاد گرفتیم که شفافیت در ارایه‌عریان واقعیت نیست، فهمیده‌ایم که پس و پیش جملات تاثیرگذاری خاص خود را دارد، می‌دانیم که گاهی زاویه دوربین‌ها به مصلحت تنظیم می‌شوند و آگاهی در فهم چرخاندن دوربین در زاویه مناسب و دیدن حقیقت پنهان است و از همه مهم‌تر، برای درک عمیق تمام اینها، تمرین کردیم، زندگی کردیم و سرفرار اول ماندیم که شرافت روزنامه‌نگاری به ارجح دانستن مردم و تشخیص مصلحت مردم و کشور است و نه هیچ‌چیز دیگر. به‌جز این اگر بود، خبرنگارها و روزنامه‌نگارهای شریف این سرزمین که تعدادشان هم کم نیست، متحمل این همه سختی نمی‌شدند و تاب نمی‌آوردند که برچسب کنار نام‌شان، روزنامه‌نگار باشد؛ در همین تحریریه‌های ناچیز باقی‌مانده. ما مانده‌ایم، دست و پا زدیم که بگوییم عصر روزنامه‌نگاری و روزنامه در ایران تمام نشده اما، نیازی به دست و پا زدن نیست.

هرنوشته‌ای، هر توییتی، هر خبری که به نام روزنامه‌نگاری داخلی منتشر می‌شود، تا این لحظه، درست و دقیق و شفاف بود. ارایه خبر از سمت ما، هیچ‌وقت در ملغمه دروغ و زرورق خوشایند گروهی خاص پیچیده نشده، همچنان جایی برای ما در وسط میدان است. شاید حالا در این آشوب خبری و گمگشتگی، این‌چیزها واضح نباشد، اما بالاخره نیاز به دانستن حقیقت، بدون رنگ‌آمیزی سایبری‌های این‌طرفی و آن‌طرفی، راه را به سمت ما باز می‌کنند. ممکن است کسی نداند که ما باقی‌مانده‌های ناچیز، واقعا چه می‌کنیم و پای کدام قرار ایستاده‌ایم، اما روزنامه‌نگاری هیچ‌وقت درباره «ما روزنامه‌نگارها» نبوده، درباره مردم بوده، درباره دانستن و درباره حقی که برای همه است.

پس حالا که این یادداشت را می‌خوانید، در روزهایی که همه‌چیز در هاله ابهام است و آینده بدون هیچ قطعیتی، فقط یک اسم و تصور است، اگر واقعا روزنامه‌نگارید و همچنان پای اصول ایستاده، دل‌گرم به کار و پیشه خود باشید، از خروج خبر از اولویت نترسید و به ارایه خبر، بررسی آن و دیدنش، بیشتر اهمیت بدهید و توی این گمگشتگی،

ايستاده برهمان اصول اوليه، از هرچه كه براي بهتر فهميدن مردم و اوضاع و روزگار كمك مي‌كند، دريغ نكنيد.